



The University of Tehran Press

Jurisprudential Feasibility of Applying the Title of Backbiting in the Release of the Picture of the Accused in the National Media

Hamid Reza Mohammadi^{1*} | Hamid Reza Basiri²

1. Corresponding Author, MSc. Student, Department of jurisprudence and fundamentals of law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University. Tehran. Iran. Email: h.mohammadi58@yahoo.com

2. Department of jurisprudence and fundamentals of law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University. Tehran. Iran. Email: basiri@atu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received: April 27, 2023

Revised: December 2, 2023

Accepted: December 9, 2023

Published online June 22 2024

Keywords:

Picture Release

Accusation

Privacy

Defendant's rights

Backbiting

ABSTRACT

Releasing the picture of the accused during the preliminary investigation stage of the crime, according to articles 91 and 96 of the Criminal Procedure Code approved in 2012, is subject to criminal liability, in some cases it can also conform to the jurisprudentially unlawful titles. On the other hand, to fulfill the function of informing, the media needs to take pictures of the accused in the preliminary investigation stage of the crime and since it is legally and judicially forbidden to release the pictures, they pixelate and then release the picture of the accused. Therefore, this research investigated in the first step, the effect of blurring the face of the accused in recognizing their identity in the news reports of the 18.30 national media in the period of 1400-1401. In the next step, using the documentary-library method, the feasibility of application of the title of backbiting in the release of these pictures was investigated. The results of the statistical analysis showed that blurring the picture of the accused has no effect on not identifying their identity in the news reports. As a result, the release of these pictures results to revealing the attributive deficiencies of the accused to be revealed. If it is so, then it will be an instance of backbiting, if not, the sentence of accusation will follow.

Cite this article: Mohammadi, H. R. & Basiri, H. R. (2024). Jurisprudential Feasibility of Applying the Title of Backbiting in the Release of the Picture of the Accused in the National Media. *Jurisprudential Researches*, 19 (4), 295-306.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.357031.1009285>



Author: Hamid Reza Mohammadi & Hamid Reza Basiri
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.357031.1009285>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

امکان‌سنجی فقهی تطبیق عنوان غیبت در انتشار تصویر متهمان از رسانه ملی

حمیدرضا محمدی^{۱*} | حمیدرضا بصیری^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، رایانامه:

h.mohammadi58@yahoo.com

۲. گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات و گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، رایانامه: basiri@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

کلیدواژه:

انتشار تصویر،

بهتان،

حریم خصوصی،

حقوق متهم،

غیبت.

انتشار تصویر متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم، علاوه بر آنکه بر اساس مواد ۹۱ و ۹۶ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موجب مسئولیت کیفری است، در بعضی از حالات می‌تواند منطبق با عناوین محرمه فقهی باشد. از طرفی رسانه‌ها برای تحقق کارکرد اطلاع‌رسانی نیازمند تصویربرداری از متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم هستند که به جهت منع قانونی و شرعی با شطرنجی کردن چهره متهمان این تصاویر را منتشر می‌کنند. در این پژوهش در گام اول به روش آزمایشی تأثیر شطرنجی کردن چهره متهم در شناخت هویت آن‌ها در گزارش‌های خبری اخبار ۱۸:۳۰ رسانه ملی در بازه زمانی سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ بررسی شد و در گام بعدی به روش اسنادی- کتابخانه‌ای امکان‌سنجی تطبیق عنوان غیبت در انتشار این تصاویر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان داد شطرنجی کردن تصویر متهمان تأثیری در عدم شناسایی هویت آن‌ها در گزارش‌های خبری ندارد و در نتیجه انتشار این تصاویر موجب آشکار شدن عیوب انتسابی متهم می‌شود که در صورتی که این عیب واقعیت داشته باشد مصداق عنوان غیبت و در صورتی که این عیوب منطبق بر واقع نباشد حکم بهتان را خواهد داشت.

استناد: محمدی، حمیدرضا و بصیری، حمیدرضا (۱۴۰۲). امکان‌سنجی فقهی تطبیق عنوان غیبت در انتشار تصویر متهمان از رسانه ملی. پژوهش‌های فقهی، ۱۹ (۴)، ۳۰۶-۲۹۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.357031.1009285>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسنده: حمیدرضا محمدی و حمیدرضا بصیری

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.357031.1009285>



۱. مقدمه

از حقوق طبیعی انسان حق برخورداری از آزادی بیان است. این حق، که از حقوق بنیادی انسان به شمار می‌رود، از اصول اساسی کارکرد اطلاع‌رسانی است و دیگر آزادی‌ها و حقوق رسانه‌ای- مانند آزادی عقیده، آزادی جست‌وجو، آزادی انتشار، آزادی دریافت- از ارکان این حق به حساب می‌آیند (ساریخانی، ۱۳۸۹: ۱۸۶) و در اسناد معتبری همچون ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م)، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ م)، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حراست از حقوق بشر (۱۹۵۰ م)، و ماده ۱۳ عهدنامه آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹ م) به آن اشاره شده و آثار مهمی را بر وضع اجرا و تفسیر قوانین و مقررات رسانه‌ای بر جای می‌گذارد. از طرفی، با توجه به حاکمیت دین در نظام جمهوری اسلامی ایران و تأکید قانون اساسی به حاکمیت ارزش‌ها در فعالیت‌های وسایل ارتباط جمعی، قانون‌گذار در اصل ۱۷۵ قانون اساسی رسانه ملی را در بیان و نشر اخبار به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور ملزم کرده است. این دو اصل یعنی «رعایت موازین اسلامی» و «مصالح کشور» عمومیت دارد و ناظر بر همه تولیدات رسانه‌ای و انتشار آن، از جمله اخبار مرتبط با جرم، است که عدم رعایت آن اولاً رسالت متعهدانه رسانه ملی را در قبال عرضه اطلاعات در زمینه مسائل مرتبط با جرم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ثانیاً آثار و صدمات جبران‌ناپذیری به حقوق مادی و معنوی متهم و مجرم و در بعضی از جرایم بزه‌دیده وارد می‌کند. یکی از برنامه‌های خبری رسانه ملی تولید و انتشار گزارش‌های مرتبط با دستگیری متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم است. بر اساس تمام‌شماری گزارش‌های خبری شبکه تهران، فقط در بازه زمانی ۱۴۰۰/۰۱/۰۱ تا ۱۴۰۱/۰۱/۰۱، تعداد ۲۵ گزارش از مرحله تحقیقات مقدماتی جرم در این بخش خبری منتشر شده است. این در حالی است که بر اساس مواد ۹۱ و ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، مرحله تحقیقات مقدماتی جرم محرمانه است و انتشار تصویر متهمان از رسانه‌ها منوط به ارتکاب جرایم خاص یا اقرار به چندین فقره جرم در ارتباط با اشخاص متعدد و نامعلوم شده است. از طرفی از ۲۵ گزارش منتشر شده در بخش خبری ۱۸:۳۰ شبکه تهران، که به موضوع دستگیری متهمان در طرح‌های مختلف پلیس پرداخته است، هیچ‌یک واجد شرایط ماده ۹۶ آیین دادرسی کیفری نبوده است و خبرنگاران رسانه ملی برای پوشش این اخبار و سلب مسئولیت‌های حقوقی از خود در تصویربرداری و مصاحبه با متهمان با تار کردن چهره آن‌ها این گزارش‌ها را از رسانه ملی منتشر کرده‌اند. از طرفی انتشار تصاویر متهمان قبل از اثبات جرم جز موارد خاص با بعضی از اصول فقهی- از جمله اصل برائت، حفظ حریم خصوصی و آبروی دیگران، قاعده وزر، عدم اشاعه فحشاء، التزام به رازداری، ممنوعیت تجسس- مخالف است و در بعضی از حالات می‌تواند منطبق با عنوان غیبت باشد. حال مسئله اساسی این پژوهش این است که با توجه به انتشار عیوب متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی جرم در بعضی از گزارش‌های خبری این فعل قابل تطبیق با عنوان غیبت هست یا خیر؟ از طرفی اگر قصد خبرنگاران در تولید این‌گونه گزارش‌های خبری تنقیص متهمان نباشد، انتشار این گزارش‌ها جایز است یا خیر؟ و در صورت عدم صدق عنوان غیبت، انتشار گزارش‌های حاوی عیوب متهم واجد عنوان فقهی دیگر است یا خیر؟

۲. پیشینه پژوهش

درباره بررسی حکم غیبت در گزارش‌های خبری مرتبط با جرم به طور خاص تحقیق مستقلی انجام نشده و بیشتر پژوهش‌های موجود به بررسی حقوق متهم در مراحل مختلف دادرسی یا بازتاب رسانه‌ای جرم به صورت کلی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: احمدی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی مصادیق و مستثنیات غیبت در رسانه‌های ارتباط جمعی» با روش کتابخانه‌ای- اسنادی به بررسی مفهومی غیبت و رسانه‌های ارتباط جمعی و موارد مرتبط با آن‌ها پرداخته و پس از بررسی آرای فقیهان

۱. ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری: تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.

۲. ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری: انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است، مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: الف) متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ»، و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله تصویر اصلی و یا تصویر به‌دست‌آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود؛ ب) متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان منتشر می‌شود.

گذشته و معاصر شیعه تعریف مشخصی از غیبت (آشکارسازی عیب پوشیده مؤمن به قصد انتقاص) ارائه داده و با محور قرار دادن آن موارد گوناگونی از تولیدات رسانه‌های مبتنی بر صوت و تصویر و متن را از نظر گذرانده و به برخی از مصادیق غیبت در محتواهای رسانه‌ای اشاره کرده است. فرجیها (۱۳۸۵) در مقاله «بازتاب رسانه‌ای جرم» با بررسی اخبار و تحلیل محتوای آن‌ها شاخص‌های انتخاب اخبار مرتبط با جرم را در تحریریه‌های خبر بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که دبیران و خبرنگاران به جای تحلیل علل وقوع جرم به توصیف واقعه می‌پردازند و این موجب سطح‌نگری و غفلت در پیشگیری و کنترل جرم در جامعه شده است. خالقی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها» با بررسی دستور برخی از مراجع قضایی در انتشار تصویر چهره متهم در رسانه‌های مکتوب به این نتیجه رسیده است که قانون‌گذار با تعیین ضوابطی می‌تواند امکان و ممنوعیت انتشار تصویر متهم را بدون پوشش چهره در قانون پیش‌بینی کند. میرشکاری (۱۳۹۷) در مقاله «استثنای حق بر تصویر» با به رسمیت شناختن حق بر تصویر هر گونه تصویربرداری یا انتشار عکس دیگران را منوط به رضایت اشخاص می‌داند. البته نویسنده با بیان دلایلی انتشار تصویر اشخاص را به قصد اطلاع‌رسانی نقض حقوق آن‌ها نمی‌داند.

همان‌طور که در پیشینه تحقیق ملاحظه شد، مقالات یادشده به حقوق شهروندی متهم از منظر قوانین موضوعه کشور به طور عام و کلی پرداخته‌اند و به موضوع این پژوهش یعنی بررسی حکم غیبت در تصاویر منتشرشده متهمان در گزارش‌های خبری نپرداخته‌اند. از نظر روش‌شناسی نیز در این پژوهش با روش ترکیبی (کمی و کیفی) مسئله پژوهش بررسی شده و از این نظر این پژوهش بدیع و نوآورانه است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

با توجه به هدف این مقاله، یعنی بررسی حکم غیبت در تصاویر منتشرشده متهمان در گزارش‌های خبری، گردآوری پیشینه و چارچوب نظری تحقیق و بررسی ادله موضوع به روش کتابخانه‌ای- اسنادی بوده است و داده‌های مربوط به سنجش میزان شناسایی هویت متهم در میان گروه‌های هدف به روش آزمایشی جمع‌آوری شده است. در این پژوهش جامعه آماری شهر تهران و حجم نمونه با محاسبه آماری و فرمول کوکران ۱۰۳ نفر تعیین شد و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای افراد حجم نمونه در مناطق ۲۲گانه تهران انتخاب شدند. سپس از افراد حجم نمونه خواسته شد نقش متهم را در مقابل دوربین بازی کنند. پس از ضبط اقاير اشخاص حجم نمونه، تصاویر آن‌ها شطرنجی شد و در قالب گزارش‌های خبری تدوین صورت گرفت. در مرحله بعد از افراد خواسته شد این گزارش‌های خبری را به گروه‌های خانواده، فامیل، دوستان، و همسایگان خود نشان دهند و بازخورد آن‌ها را در شناسایی هویت متهم داخل گزارش ثبت کنند. در انتهای پژوهش نیز بازخورد گروه‌های چهارگانه یادشده برای تحلیل در نرم‌افزار SPSS وارد و فرضیه‌های تحقیق بررسی شد.

۳.۱. توصیف داده‌ها

سیمای پاسخگویان

جدول ۱. درصد فراوانی نسبی گروه خانواده

جمع فراوانی	جنسیت		نوع گروه	
	زن	مرد	فراوانی سن	
۵۴	۳۰	۲۴	فراوانی	۲۱-۳۸ سال
%۱۰۰	%۵۵/۶	%۴۴/۴	درصد	
۶۱	۳۸	۲۳	فراوانی	۳۹-۵۵ سال
%۱۰۰	%۶۲/۳	%۳۷/۷	درصد	
۲۹	۱۴	۱۵	فراوانی	۵۶-۷۲ سال
%۱۰۰	%۴۸/۳	%۵۱/۷	درصد	

با توجه به جدول ۱ در مجموع بیشترین درصد فراوانی جنسیت در گروه خانواده مربوط به گروه سنی ۳۹-۵۵ سال با ۴۲/۳۶ درصد است که از این میان ۳۷/۷ درصد مرد و ۶۲/۳ درصد زن بودند و کمترین درصد فراوانی مربوط به گروه سنی ۵۶-۷۲ سال با ۲۰/۱۳ درصد است.

جدول ۲. درصد فراوانی نسبی گروه فامیل

جمع فراوانی	جنسیت		نوع گروه	
	زن	مرد	فراوانی سن	
۶۴	۳۵	۲۹	فراوانی	سال ۱۳-۳۵
%۱۰۰	%۵۴/۷	%۴۵/۳	درصد	
۵۲	۲۲	۳۰	فراوانی	سال ۳۶-۵۷
%۱۰۰	%۴۲/۳	%۵۷/۷	درصد	
۲۸	۱۵	۱۳	فراوانی	سال ۵۸-۷۹
%۱۰۰	%۵۲/۶	%۴۶/۴	درصد	

با توجه به جدول ۲ بیشترین درصد فراوانی جنسیت در گروه فامیل مربوط به گروه سنی ۱۳-۳۵ سال با ۴۴/۴۴ درصد است که در این میان ۴۵/۳ درصد مرد و ۵۴/۷ درصد زن بوده است و کمترین درصد فراوانی گروه سنی مربوط به گروه سنی ۵۸-۷۹ سال با ۱۹/۴۴ درصد است.

جدول ۳. درصد فراوانی نسبی گروه دوستان

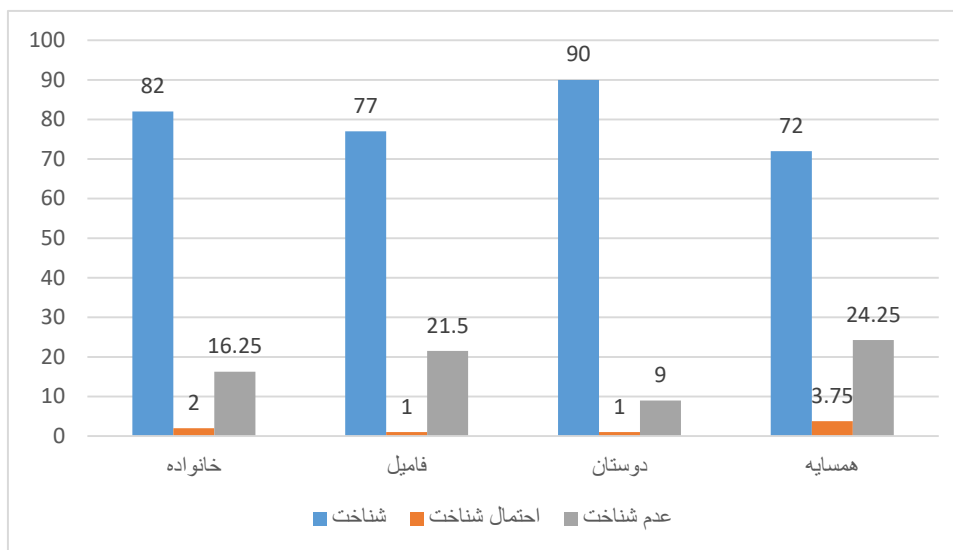
جمع فراوانی	جنسیت		نوع گروه	
	زن	مرد	فراوانی سن	
۶۲	۳۱	۳۱	فراوانی	سال ۱۲-۲۶
%۱۰۰	%۵۰	%۵۰	درصد	
۶۸	۳۶	۳۲	فراوانی	سال ۲۷-۴۰
%۱۰۰	%۵۲/۹	%۴۷/۱	درصد	
۱۴	۴	۱۰	فراوانی	سال ۴۱-۵۳
%۱۰۰	%۲۸/۶	%۷۱/۴	درصد	

جدول ۳ نشان می‌دهد در مجموع بیشترین درصد فراوانی جنسیت در گروه دوستان مربوط به گروه سنی ۲۷-۴۰ سال با ۴۷/۲۲ درصد است که از این میان ۴۷/۱ درصد مرد و ۵۲/۹ درصد زن بوده است. کمترین میزان فراوانی نیز به گروه سنی ۵۳-۴۱ سال با ۹/۷۳ درصد اختصاص دارد.

جدول ۴. درصد فراوانی نسبی گروه همسایه

جمع فراوانی	جنسیت		نوع گروه	
	زن	مرد	فراوانی سن	
۱۲۸	۵۸	۷۰	فراوانی	سال ۲۲-۴۸
%۱۰۰	%۴۵/۳	%۵۴/۷	درصد	
۱۵	۵	۱۰	فراوانی	سال ۴۹-۷۴
%۱۰۰	%۳۳/۳	%۶۶/۷	درصد	
۱	۱	۰	فراوانی	بالتر ۷۵ سال
%۱۰۰	%۱۰۰	۰	درصد	

جدول ۴ هم نشان می‌دهد در مجموع بیشترین درصد فراوانی جنسیت در گروه همسایه مربوط به گروه سنی ۲۲-۴۸ سال با ۸۸/۸ درصد است که در این میان ۵۴/۷ درصد مرد و ۴۳/۳ درصد زن بوده است و کمترین درصد فراوانی مربوط به گروه سنی بالاتر ۷۵ سال با ۰/۶ درصد است.



نمودار ۱. میزان شناسایی هویت متهم در گروه‌های چهارگانه

با توجه به نمودار ۱ از تصاویر تار شده‌ای که به دوستان، خانواده، فامیل، و همسایه افراد حجم نمونه نشان داده شده به ترتیب ۷۲، ۷۷، ۸۲، ۹۰ درصد این افراد هویت افراد حجم نمونه را شناسایی کرده‌اند. یعنی میانگین شناسایی هویت تصاویر تار شده افراد میان این گروه‌ها بیش از ۸۰ درصد بوده است. از طرفی بیشترین میزان شناسایی هویت اشخاص در حجم نمونه به ترتیب مربوط به گروه دوستان، خانواده، فامیل، و همسایه بوده است.

۲.۳. تحلیل داده‌ها

با توجه به داده‌های تحقیق برای رد یا اثبات فرضیه تحقیق، یعنی «شطنجی کردن تصویر متهمان در گزارش‌های خبری مانع شناسایی هویت آن‌ها در میان مخاطبان نمی‌شود»، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۵. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون

شناسایی هویت متهمان			متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	n	
۰/۰۱	۰/۲۵۷	۱۰۳	شطنجی کردن تصویر متهمان

بر اساس جدول شماره ۵ (نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون)، سطح معناداری میان تصویر شطنجی متهمان و شناسایی هویت آن‌ها ۰/۰۱ است که از خطای ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین، فرضیه یاد شده تأیید می‌شود.

۴. بررسی حکم غیبت در تصاویر منتشر شده متهمان در گزارش‌های خبری

با توجه به اثبات فرضیه قسمت اول پژوهش و شناسایی هویت متهم در تصاویر شطنجی گزارش‌های خبری مرتبط با جرم، در گام بعدی این مقاله ابتدا به تعریف لغوی غیبت پرداخته می‌شود و سپس معنای اصطلاحی با در نظر گرفتن دیدگاه دانشمندان فن بررسی می‌شود. در انتها، با احصای قیود تعاریف لغوی و اصطلاحی، امکان‌سنجی حکم فقهی غیبت در تصاویر شطنجی متهمان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. ۱. تعریف لغوی غیبت

غیبت مأخوذ از واژه عربی «الغیبه» از ریشه «غَیَب» است. «غَیَب» به معنای هر چیز پنهان از چشم است. «الغیبه» نیز به فتح غین به معنای پنهان بودن از مصدر «الغیوبه» و «الغیبه» نیز به کسر غین اسم از مصدر باب افتعال «اللاغتیاب» گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۶۵۶). برخی دانشمندان اهل لغت غیبت را ذکر بدی‌های شخص در غیابش که در او موجود است تعریف کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۰۶). بر اساس این تعریف، بیان کمالات اشخاص صدق عنوان غیبت را نخواهد داشت. فیومی (۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۴۵۸) نیز در تعریف غیبت گفته است: «یاد کردن شخص به عیوبی که آن‌ها را مکروه می‌شمارد و آن عیب در مورد وی حق هستند». قید حق بودن عیوب برای بیان تفکیک غیبت از تهمت است که در آن سخن نسبت داده شده به دیگری حقیقت ندارد. کراهت از عیب یادشده و حقیقت داشتن آن دو شرطی است که در این تعریف به آن اشاره شده است. اما به اینکه عیب یادشده در غیاب فرد و پوشیده از مخاطب باشد اشاره نشده است. ابن منظور (۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۶۵۶) نیز در تعریف غیبت گفته است: «به سخن پشت سر انسانی که عیب پوشیده‌ای دارد یا سخنی که منجر به ناراحتی شخص شود غیبت اطلاق می‌شود». بر اساس این تعریف، به سخن پشت سر افراد که عیب هم نباشد اما موجب ناراحتی غیبت‌شونده شود عنوان غیبت اطلاق می‌شود. جوهری (۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۲۰۳) نیز در تعریف غیبت گفته است: «صحبت نمودن پشت سر انسان عقیف که اگر بعداً بشنود ناراحت می‌شود غیبت اطلاق می‌شود». در این تعریف، عقیف و خلف و کراهت از جمله قیود در تعریف غیبت شمرده شده است. صاحب معاییس *اللغه* نیز از غیبت با لفظ «الوقیعه» یعنی بدگویی یاد کرده که در غیاب افراد گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ج ۴: ۴۰۳). ابن فارس در این تعریف دو قید الوقیعه و غاب (بیان عیب در غیاب شخص) را در تعریف غیبت شرط دانسته است. ابن اثیر (۱۳۹۹ ق، ج ۵: ۷۵) در تعریف غیبت آورده است: «یاد کردن بدی انسان در غیاب شخص از عیوبی که در او وجود دارد». صاحب منتهی‌الارب نیز تعریف ابن‌اثیر را تکرار کرده و فرق آن با بهتان را برشمرده است (ابن عبدالکریم صفی‌پوری، ۱۳۹۶، ج ۳: ۹۳۷).

در یک جمع‌بندی کلی لغت‌شناسان تعریف یکسانی از مفهوم لغوی غیبت ندارند و بیشتر آنان در تعریف لغوی از معنای شرعی غیبت اثر پذیرفته‌اند. با این وصف نقطه اشتراک تعاریف اهل لغت این است که غیبت به معنای نسبت دادن عیب به انسانی در غیاب او است.

۴. ۲. تعریف اصطلاحی غیبت

شهید ثانی در کتاب *کشف‌الریبه* به دو تعریف از غیبت اشاره کرده است. در تعریف اول، نظر مشهور را درباره غیبت بیان می‌کند: «در غیاب شخص از انسان ذکری شود که غیبت‌شونده آن را نمی‌پسندد و آن ذکر در عرف نقص شمرده شود و به قصد انتقاص و نکوهش باشد». با این قید (قصد انتقاص) احتراز حاصل شده از اینکه برای مثال عیب را برای طیب ذکر کند یا برای درخواست رحمت از سلطان در حق زمین‌گیر و کور. و در تعریف دوم از غیبت می‌گوید: «آگاه کردن دیگران بر آنچه که انسان مذکور نسبت دادنش را به خود نمی‌پسندد». این تعریف اعم از تعریف اول است و شامل ذکر زبان، اشاره، حکایت، و غیر آن هم می‌شود. البته شهید ثانی (۱۳۹۰ ق: ۵) با ترجیح تعریف غیر مشهور به صراحت غیبت را اعم از گفتار می‌داند. سید مرتضی نیز در تعریف غیبت آورده است: «غیبت نکوهش به ناحق درباره انسانی مشخص و معین، به عیبی که اگر آن را می‌شنید نمی‌پسندید» (سید مرتضی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۲۷۹). شیخ طوسی (۱۴۱۲ ق، ج ۹: ۳۵۱) نیز در تعریف غیبت گفته است: «غیبت ذکر عیب در غیاب اشخاص است که حکمت از آن منع می‌کند». از این تعریف برداشت می‌شود که آنچه درباره اشخاص می‌گویند باید عیب باشد و شخص غیبت‌شونده هم حاضر نباشد. قید حکمت نیز مستثنیات غیبت را از تعریف خارج می‌کند. محقق کرکی (۱۴۱۴ ق، ج ۴: ۲۷) نیز غیبت را این‌طور تعریف کرده است: «درباره برادر دینی خود چیزی را بگویی که اولاً در او باشد و ثانیاً اگر آن را می‌شنید نمی‌پسندید». آنچه در اوست اشاره به عیب موجود دارد و اگر می‌شنید دلالت بر نبودن غیبت‌شونده و ناخوشایند آمدن نیز قید دیگر در تعریف محقق کرکی است. شیخ بهایی نیز در تعریفی از غیبت گفته است: «همانا غیبت آگاه کردن دیگران است در غیاب انسانی معین یا در حکم معین بر آنچه که آن انسان نسبتش را به خود نمی‌پسندد از آن چیزهایی که در او باشد و به حسب عرف نقص شمرده شود؛ خواه این آگاه کردن به گفتار باشد یا اشاره یا کنایه، تعریض باشد یا تصریح» (موسوی خمینی،

۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۸۲). از کلام ایشان اعم بودن غیبت از ذکر گفتاری و غیر آن، فراگیری آن نسبت به تصریح و غیر آن، اشتراط تشخیص یا حکم آن در غیبت شونده، وجود عیب در شخص، نقص بودن از نگاه عرف برداشت می شود. ملا احمد نراقی نیز «غیبت را به ذکر بدی در پشت سر انسان یاد کرده است». بنابراین اگر ذکر بدی در پشت سر افراد نباشد غیبت نیست؛ همان گونه که مقتضای ماده لفظ غیبت این چنین است (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴: ۱۵۹). شیخ انصاری نیز در کتاب مکاسب محرمه پس از نقل آرای مختلف غیبت را این گونه تعریف کرده است: «که انسان با کلام و سخنی یاد شود که او از آن سخن ناراحت شود، حال یا از آشکار شدن عیب مخفی خود، هر چند انتقاص او قصد نشود، یا از انتقاص او با عیب آشکاری که گوینده نیز آن انتقاص را قصد کرده یا اینکه خود کلام مشعر به نقص است» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۲۳). سید ابوالقاسم خویی (۱۳۷۷، ج ۱: ۳۲۶) نیز معتقد است: «نص صریحی در بیان حدود مفهوم غیبت وارد نشده و از جانب اهل لغت نیز تعریفی جامع افراد و مانع اغیار وجود ندارد. بنابراین باید قدر متیقن از مفهوم غیبت گرفته شود و حکم بر آن مترتب گردد. قدر متیقن این است که درباره برادر دینی ات چیزی را بگویی که خدا آن را پوشیده است. اما در مقدار بیش از قدر متیقن به اصول عملی رجوع شود. این تعریف در برخی روایات آمده است که اگر چه سندشان ضعیف است، مفهوم آن ها با ذوق سلیم و فهم عرفی موافقت دارد». امام خمینی (۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۹۰) نیز در تعریف غیبت، افزون بر ذکر عیب پوشیده، قصد تنقیص را لحاظ کرده است: «ذکر انسان در غیاب او به چیزی که آن انسان نسبت دادنش را به خود نمی پسندد؛ از آنچه در عرف نقص شمرده شود و این ذکر به قصد انتقاص و نکوهش باشد». امام خمینی (۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۹۵) کراهت مغتاب را از ماهیت تعریف غیبت نمی داند: «اقوی این است که کراهت غیبت شونده در تعریف غیبت اعتبار ندارد». ایشان حتی قید مستوریت و پنهان بودن عیب را نیز داخل در معنای غیبت نمی داند: «قید مستوریت عیب از قیود موضوع حرمت غیبت نیست، هم از نظر عرف هم از نظر لغت».

با توجه به مطالب بیان شده تعریف مشخص و شناخته شده ای از غیبت در آیات و روایات به چشم نمی خورد که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند و نصوصی که در این باره وارد شده اند محل مناقشه و تضارب آرا هستند. لغت شناسان نیز تعریف جامع و مانعی ارائه نکرده اند و در تعاریف خود تابع و متأثر از نگاه شرعی به مفهوم غیبت اند. به هر روی از مجموع آرای فقها می توان قیود «ذکر عیب پوشیده مؤمن در غیاب او» را که قدر متیقن بین تعاریف ایشان است از این تعاریف برداشت کرد؛ ضمن اینکه بنا بر تحقیقی که در دیدگاه امام خمینی متجلی است قصد تنقیص نیز در تعریف لحاظ می شود. بنابراین، تعریف جمع بندی شده و برگزیده این تحقیق عبارت است از: «آشکار کردن عیب پوشیده مؤمن، به قصد تنقیص و عیب جویی از او».

۳.۴. بررسی فقهی تطبیق عنوان غیبت در انتشار تصاویر شطرنجی متهمان

با توجه به اثبات فرضیه قسمت اول پژوهش و شناسایی هویت متهمان در تصاویر شطرنجی گزارش های خبری مرتبط با جرم و بررسی تعریف لغوی و اصطلاحی غیبت، در این مرحله، با تطبیق قیود به دست آمده از تعاریف غیبت، حکم فقهی انتشار اتهام فرد دستگیر شده در مرحله تحقیقات مقدمات جرم در گزارش های خبری مورد بررسی قرار می گیرد.

قید اول. وجود عیب در مغتاب

با توجه به تعریف اصلاحی غیبت، مشهور وجود عیب در مغتاب را معتبر می دانند. بنابراین ذکر عیب موجود را غیبت و ذکر عیب غیر موجود را بهتان می نامند؛ همچنان که ظاهر تقابل این دو لفظ چنین است. در مقابل امام خمینی وجود عیب در مغتاب را شرط ندانسته و ذکر عیب غیر موجود را نیز در گستره غیبت به شمار آورده اند. ایشان معتقدند که «غیبت» اعم از «بهتان» است. زیرا بهتان ذکر عیب غیر موجود است و «غیبت» ذکر عیب موجود یا غیر موجود است. بنابراین، هر نقصی که به شخص اسناد داده شود هر چند در او نباشد غیبت به شمار می آید (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۵۴ - ۲۵۸). بر این اساس، با توجه به اینکه انتشار اتهام فرد دستگیر شده در مرحله مقدماتی جرم هنوز اثبات نشده است، موضوع در دو حالت قابل بررسی است. حالت اول: عیب منتشر شده در گزارش های خبری در متهم موجود است که در این صورت با توجه به شناسایی هویت متهم در تصاویر شطرنجی، بر اساس نظر مشهور، قید اول غیبت در انتشار این تصاویر موجود است. حالت دوم: عیب منتشر شده در گزارش های خبری در متهم موجود نیست که در این صورت بر اساس نظر مشهور موضوع از غیبت خارج و عنوان بهتان بر انتشار این گزارش های خبری قابل صدق است. البته بر اساس نظر امام خمینی در هر دو حالت (چه عیب موجود چه غیر موجود) انتشار عیب

متهمان با توجه به شناسایی هویت این افراد مصداق عنوان غیبت است.

قید دوم. کراهت مغتاب از وجود عیب

یکی دیگر از شرایطی که برای «غیبت» ذکر شده است آن است که مغتاب از وجود عیب کراهت داشته باشد. این شرط از ظاهر برخی از کلمات لغویین، مثل *المصباح المنیر و الصحاح*، و از کلام برخی از فقها، مثل شهید ثانی و شیخ بهایی، که در تعریف لغوی و اصلاحی گذشت، استفاده می‌شود؛ چنان که در جامع المقاصد آمده: «إنَّ حقیقه الغیبه علی ما فی الأخبار أن تقول فی أخیک ما یکرهه ممّا هو فیه» (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴: ۲۷) و در روایت ابوذر آمده: «الغیبه أنّها ذکرک أحاک بما یکرهه و فی نبوی آخر قال: أ تدرّون ما الغیبه؟ قالوا: اللّٰه و رسوله أعلم. قال: ذکرک أحاک بما یکرهه» (حرعاملی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۲: ۲۸۱). بنابراین، اگر متهم از ذکر معایبش در رسانه مغموم نمی‌شود ذکر عیبش غیبت به شمار نمی‌آید. اما امام خمینی برخلاف مشهور معتقد است در تحقق غیبت کراهت مغتاب شرط نیست. بنابراین هر چند مغتاب (غیبت‌شونده) ذکر معایب و عیوبش را ناپسند نداند، ذکر معایب او غیبت به شمار می‌آید (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۶۳). با توجه به نظر امام خمینی، مغموم و مغموم شدن متهم از ذکر عیبش در رسانه شرط نیست و در هر حال این عمل واجد عنوان غیبت است.

قید سوم. اعتبار مستور بودن عیب

یکی دیگر از شرایطی که در تعریف غیبت ذکر شد اعتبار «مستور بودن» عیوب شخص است. بنابراین، ذکر عیوب ظاهری که بر دیگران پوشیده نیست حرام نیست. البته امام خمینی معتقدند که چنین شرطی در غیبت معتبر نیست. ایشان می‌فرمایند در بسیاری از کتب لغت و فقها قید «مستور بودن عیب» ذکر نشده است و اگر در بعضی از عبارات اهل لغت، از جمله *صحاح اللغه* و *معجم البحرین*، گفته‌اند: «أن یتکلّم خلف انسان مستور بما یغمّه لو سمعه» مرادشان از «انسان مستور» فرد غفیف بوده است؛ همچنان که جوهری گفته: «رجل مستور و ستیر، ای: غفیف» (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۶۷۷). و در *القاموس* آمده: «الستیر: لغفیف» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۴۴) از آنجا که متهمان، حتی در صورت اثبات بزه، فعل مادی خلاف قانون خود را در خفا و پوشیده از دیگران مرتکب شده‌اند، انتشار آن از رسانه ملی از جمله آشکار کردن عیب مستور آن‌ها به حساب می‌آید و از نظر مشهور واجد قید غیبت است. البته از منظر امام خمینی قید مستوریت شرط نیست و به صرف آشکار کردن عیب متهمان، جز موارد منصوص در فقه و قانون، غیبت به حساب می‌آید.

قید چهارم. اعتبار قصد انتقاص

شهید ثانی در کشف الریبه معتقد است که «قصد انتقاص» در حقیقت «غیبت» معتبر است. بنابراین، ذکر شخص با صفات مشعر به ذمّ، مثل کوری و کچلی، یا ذکر بیماری مسمّزکننده شخصی برای طیب یا ذکر عیوب جاریه‌ای که در معرض بیع و شراء باشد در صورتی که گوینده در این موارد قصد تنقیص مغتاب «بافتح» را نداشته باشد «غیبت» به شمار نمی‌آید. شهید ثانی (۱۳۹۰ ق: ۵۱) این امثله را از مستثنیات غیبت مطرح کرده‌اند. البته ممکن است ذکر عیوب مؤمن از باب ایذای مؤمن یا عناوین دیگر حرام باشد؛ که این کلام دیگری است. امام خمینی (۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۶۷) نیز در حقیقت «غیبت» قصد «انتقاص مغتاب» را شرط دانسته‌اند. ایشان می‌فرمایند در مفهوم عرفی «غیبت» قصد انتقاص شرط است، همچنان که از کلمات لغویین این مطلب استفاده می‌شود؛ چنان که در *صحاح اللغه* آمده: «اغتابه اغتیباً: إذا وقع فیه» (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۲۰۳) یا در *قاموس اللغه* قصد انتقاص در تعریف غیبت آمده: «غابه، أی: عابه و ذکره بما فیه من السوء» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۱۲). این تعابیر زمانی استعمال می‌شود که شخص قصد تنقیص مغتاب را داشته باشد.

مرحوم خویی (۱۳۷۷، ج ۱: ۵۱۰) اما معتقدند معیار در غیبت اذاعه سرّ و آشکار کردن عیب پنهان است. در برخی از روایات امام هر نوع اشاعه و هتک سرّی را مصداق آیه شریفه «إنّ الذین یحبّون أنّ یشیع الفاحشه» دانسته‌اند. البته روشن است که محبت اشاعه فاحشه غیر از ذکر فاحشه است. در هر صورت در این روایات قصد انتقاص شرط نشده است.

با توجه به اختلاف نظر در وجود قید قصد انتقاص در صدق عنوان غیبت، بر اساس نظر امام خمینی^(۶) و شهید ثانی، اگر قصد خبرنگاران در تولید گزارش‌های مرتبط با جرم فقط اطلاع‌رسانی بدون قصد انتقاص متهمان باشد، انتشار تصویر آن‌ها مصداق عنوان غیبت نیست. اما، بنا بر نظر آیت‌الله خویی، قصد انتقاص در انتشار عیوب متهمان شرط نیست و صرف آشکار شدن عیب

متهمان در گزارش‌های خبری غیبت به حساب می‌آید. البته پرواضح است که نظر حضرت امام^(ع) و دیگر علما درباره شرط تنقیص در صدق عنوان غیبت به معنای مباح دانستن انتشار عیوب متهمان از رسانه ملی نیست، بلکه این فعل می‌تواند از باب اذاعه سرّه یا اذلال مؤمن یا هتک حرمت مؤمن حرام باشد.

نتیجه

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در مرحله اول پژوهش و اثبات فرضیه اول این تحقیق، شطرنجی کردن تصویر متهمان در گزارش‌های خبری مانع شناسایی هویت آن‌ها در میان مخاطبان تلویزیون نمی‌شود. بنابراین، با بررسی آرای مختلف علمای اهل لغت درباره مفهوم‌شناسی غیبت و احصای قیود آن در نظرات فقها و تطبیق آن در گزارش‌های خبری، عنوان غیبت در چهار قید دخیل در آن بررسی می‌شود:

اولاً بر اساس یافته‌های این پژوهش، با توجه به شناسایی هویت متهم در تصاویر شطرنجی گزارش‌های خبری، انتشار این تصاویر منجر به آشکار شدن عیوب انتسابی متهم می‌شود که در صورتی که این عیب واقعیت داشته باشد، بر اساس نظر مشهور، عنوان غیبت بر این فعل قابل تطبیق است و در صورتی که این عیب واقعیت نداشته و در دادگاه اتهام انتسابی اثبات نشود حکم بهتان را به دنبال خواهد داشت. البته بر اساس نظر امام خمینی انتشار عیب انتسابی، چه در متهم موجود باشد چه نباشد، منجر به غیبت متهم می‌شود.

ثانیاً بر اساس دیدگاه مشهور تحقق عنوان غیبت در گزارش‌های خبری مشروط به کراهت متهم از انتشار عیوب خود است. بر اساس این دیدگاه اگر متهم از انتشار عیوبش مغموم نشود عنوان غیبت محقق نمی‌شود؛ برخلاف نظر امام خمینی که معتقد است در تحقق غیبت کراهت متهم از انتشار عیوبش شرط نیست و هرچند متهم ذکر معایب و عیوبش را ناپسند نداند ذکر معایب او غیبت به شمار می‌آید.

ثالثاً بنا بر نظر مشهور انتشار عیب مستور از قیود تحقق عنوان غیبت شمرده شده است. بنابراین ذکر عیوب ظاهری که بر دیگران پوشیده نیست حرام نیست. البته امام خمینی معتقدند که چنین شرطی در غیبت معتبر نیست. بر اساس این دیدگاه صرف آشکار کردن عیب متهمان، جز موارد منصوص در فقه و قانون، غیبت به حساب می‌آید.

رابعاً بر اساس دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی قصد انتقاص در حقیقت غیبت معتبر است و در صورتی که خبرنگاران در تولید و انتشار گزارش‌های حاوی تصاویر شطرنجی‌شده متهمان قصد تنقیص و تحقیر متهم را نداشته باشند غیبت متهم محقق نمی‌شود. البته ممکن است این رفتار منطبق بر عناوین دیگری، مانند ایداء مؤمن، و حرام باشد. مرحوم خوئی اما معتقدند که معیار در غیبت اذاعه سرّه و آشکار کردن عیب پنهان است و قصد تنقیص را در صدق عنوان غیبت شرط نمی‌دانند. بر اساس دیدگاه ایشان صرف آشکار شدن عیب متهمان در گزارش‌های خبری غیبت به حساب می‌آید.

منابع

- ابن اثیر، مجدالدین أبو السعادات (۱۳۹۹ ق). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*. بيروت: المكتبة العلمية.
- ابن عبدالکریم صفی پوری، عبدالرحیم (۱۳۹۶). *منتهی الارب فی لغت العرب*. تهران: امید مجد.
- ابن فارس القزوینی الرازی، احمد (۱۳۹۹ ق). *معجم مقاییس اللغة*. بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور الانصاری، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. ج ۳. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- احمدی بن کمری، سعید (۱۳۹۷). بررسی مصادیق و مستثنیات غیبت در رسانه های ارتباط جمعی. قم: دانشگاه باقرالعلوم جوهری، ابونصر إسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق). *الصالح تاج اللغة و صحاح العربیه*. بیروت: دار العلم للمالیین.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق). *فصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام. خالقی، علی (۱۳۸۸). تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها. *پژوهش‌های حقوقی*، دوره ۸، شماره پانزدهم، صفحات ۱۳-۲۶.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهه*. قم: داوری.
- ساریخانی، عادل (۱۳۸۹). *پژوهشی فقهی- حقوقی در جرایم مطبوعاتی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سیدمرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۱۵ ق). *رسائل الشریف المرتضی*. قم: دار القرآن الکریم.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۹۰ ق). *کشف الریبه*. تهران: دار المرتضوی للنشر.
- شیخ انصاری، محمدامین (۱۴۱۵ ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق). *تهذیب الأحکام*. ج ۴. دارالکتب الاسلامیه.
- فرجیها، محمد (۱۳۸۵). بازتاب رسانه‌ای جرم. *رفاه اجتماعی*، دوره ۶، شماره بیست و دوم، صفحات ۵۷-۸۶.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق). *قاموس المحيط*. بیروت: دار العلم.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*. بیروت: منشورات دار الرضی.
- کرکی عاملی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵ ق). *المکاسب المحرمه*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۷). استنهای حق بر تصویر. *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۹، شماره یکم، صفحات ۴۵۱-۴۷۲.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ ق). *مستند الشیعه فی أحكام الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- Ibn-Athir, M.D. A.S (1978). *Al-Jinaa fi Gharib al-Hadith al-Athr*. Beirut: Al-Maqabah Al-Elamiya. (in Arabic)
- Ibn-Abdul Karim Safi Puri, A.R. (2016). *Mentehi al-Arab fi ghalat al-Arab*. Tehran: Omid Majd. (in Persain)
- Ibn-Fars al-Qazwini al-Razi, A. (1978). *Moa'jam al-Maqays al-Lagha*. Beirut: Dar al-Fakr. (in Arabic)
- Ibn-Manzoor Al-Ansari, M.M (1993). *Lasan al-Arab*. third edition. Beirut: Dar al-Fikr for Printing and Publishing and Al-Tawzi'ah. (in Arabic)
- Ahmadi Ibn Kamri, Saeed (2017). Examining examples and exceptions of absence in mass communication media. Qom: Bagheral Uloum University (in Persain)
- Johari, A.N. E.H. (1986). *Sahaha Taj al-Lagha and Sahaha al-Arabiya*. Beirut: Dar al-Alam for millions. (in Arabic)
- Hor Aameli, M.H. (1991). *Fasil al-Wasal al-Shi'a to Tahsil al-Shari'a*. Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them. (in Arabic)
- Khaleghi, A. (2008). Reflections on publishing the image of the accused in newspapers. *Legal Research Quarterly*, 8(15),13-26. (in Persain)
- Khoei, S. A. M. (1998). *Mesbah al-Faqaha*. Qom: Refereed. (in Arabic)
- Sarikhani, A. (2010). *Jurisprudence-legal research on press crimes*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (in Persain)
- Syed-Mortaza, A. H. Mousavi (1994). *Rasael al-Sharif al-Mortaza*. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. (in Arabic)
- Shahid Thani, Z. A. (1970). *Kasf al-Riba*. Tehran: Dar al-Mortazawi publishing house. (in Arabic)

- Sheikh Ansari, M.A. (1994). *al-Makasab*. Qom: World Congress of Commemoration of Sheikh Azam Ansari. (in Arabic)
- Sheikh Tousi, M.H. (1991). *Tahzib al-Ahkam*. 4th edition. Dar al-Kitab al-Islamiya. (in Arabic)
- Farjiha, M. (2006). Media Reflection of Crime. *Social Welfare Quarterly*, 6(22),57-86. (in Persain)
- Firouzabadi, M.Y. (1994). *Qamoos al-Muhait*. Beirut: Dar al-Elam. (in Arabic)
- Fayoumi, A.M. (1984). *al-Masbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer by Rafi'i*. Beirut: Dar al-Radi's manuscripts. (in Arabic)
- Karki Amoli, Mohaghegh Thani, Ali ebn Hussain (1993). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qasas*. Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him. (in Arabic)
- Mousavi Khomeini, S. R. (1994). *Al-Makaseb al-Muharmah*. Qom: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini Quds Sar. (in Arabic)
- Mirshkari, A. (2017). Exceptions to Image Rights. *Comparative Law Studies Quarterly*.9(1),451-472. (in Persain)
- Naraq, A.M.M. (1994). *Mostanad alshieh fi ahkam alsharieh*. Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon them. (in Arabic)